



«فرهیکختگان» از دخالت‌های آمریکا در کشورهای مختلف جهان گزارش می‌دهد

آمریکا امپراتوری کودتا



کوبا ۱۹۶۱

تشکیل حکومتی انقلابی در کوبا آن هم درست کنار گوش آمریکا چیزی نبود که برای مقامات آمریکایی قابل تحمل باشد. باز باید دو ستون کودتاگر آمریکا (وزارت خارجه و سازمان سیا) وارد کار می‌شدند. در ۱۹۶۰ طرح کودتا علیه دولت انقلابی کوبا توسط سیا تهیه شد. پس از تصویب این طرح انتخاب و آموزش ۱۵۰۰ نفر از افرادی که پس از انقلاب از کوبا گریخته بودند، آغاز شد. این افراد در سال ۱۹۶۱ و از راه راد به خلیج خوک‌ها حمله کردند تا بتوانند به سمت هاوانا پایتخت پیشروی کنند اما به دلیل لوفتن عملیات از ارتش کوبا شکست خوردند.



کنگو ۱۹۶۰

سال ۱۹۶۰ و با مبارزات انقلابی به رهبری پاتریس لومومبا کنگو به استقلال رسید. در نخستین انتخابات پارلمانی این کشور حزب لومومبا به پیروزی رسید و وزیر شد. مشکلات لومومبا زمانی آغاز شد که او قصد داشت جلوی دست‌اندازی آمریکا و بلژیک را به استان ثروتمند کاتانگا بگیرد. این استان معادن بسیار غنی اورانیوم داشت و منبع مهمی برای تامین نیازهای امنی آمریکا بود. آمریکا برای حفظ این معادن، با حمایت از موسی چومبه قیب سیاسی لومومبا موفق شد حکومت وی را متزلزل کند. درخواست کمک نظامی لومومبا از شوروی برای مقابله با نیروهای چومبه موجب شد آمریکا مستقیماً علیه او کودتا کند. لومومبا پس از دستگیری در اسید حل شد.



گواتمالا ۱۹۵۴

انگیزه اصلی کودتای گواتمالا، سود اقتصادی دولت‌مردان آمریکا در زمینه تجارت مسوز بود. تصویب یک قانون برای واگذاری زمین‌هایی که در آن کشت صورت نمی‌گیرد به مردم، باعث نگرانی «شرکت میوه‌جات یونایتد» شد که زمین‌های زیاد بدون کشتی را برای عدم شکل‌گیری رقیب در اختیار داشت. روسای شرکت که ارتباط نزدیکی با برادران فاستر داشتند- که یکی وزیر امور خارجه آمریکا و دیگری رئیس سازمان سیا بود- توانستند دولت آمریکا را مجاب به کودتا در گواتمالا کنند. وزارت خارجه آمریکا و سازمان سیا اقدام به آموزش مزدوران، بمبگذاری در مناطق مختلف کشور و نیز پخش شایعات کردند. در نهایت دولت گواتمالا با ایجاد رعب و وحشت درباره احتمال حمله نظامی مستقیم آمریکا ساقط شد.



ایران ۱۹۵۳

حمایت‌های آیت‌الله کاشانی از ملی‌گرایان به رهبری دکتر محمد مصدق منجر به تلاش‌های استقلال‌خواهانه و در نهایت ملی شدن صنعت نفت ایران شد. این اقدام منافع انگلیس را در ایران به خطر انداخت و این کشور تلاش کرد به همراه آمریکا، دولت وقت را سرنگون کند. دستگاه اطلاعاتی انگلیس با مدیریت میدانی سازمان سیا دست به مجموعه اقدامات بی‌ثبات‌ساز علیه دولت مصدق زد. سازمان سیا با تزریق پول به روزنامه‌ها و نشریات داخلی، کمپین رسانه‌ای قدرتمندی را علیه مصدق سازماندهی کرد و با پرداخت رشوه به اعضای مجلس، ارتشی‌ها و نیز نیروهای موجود در دولت، زمینه را برای انجام کودتا در ایران فراهم کرد. رهبری این عملیات برعهده «کریمت روزولت» گذاشته شد. انگلیسی‌ها از طریق یک رابط به شاه اطلاع دادند که آمریکا و بریتانیا قصد کودتا دارند و وحشتی از این کار ندارند. اما باید شاه با روزولت ملاقات کند. این ملاقات شبانه در یک اتومبیل انجام شد و عملیات در غروب ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ با حضور گروهی از افسران سیا در ویلای امنی در تهران طرح‌ریزی شد. بر پایه گزارش دونالد ویلبر، کارشناس سیا در ایران برای اطمینان شاه از حمایت آمریکا و بریتانیا از کودتا قرار بود اردویی فارسی بی‌بی‌سی حمله «الان نیمه‌شب است» را به «الان دقیقاً نیمه‌شب است» تغییر دهد. ساعات اولیه صبح ۲۸ مرداد، عوامل کودتا با پیگیری و خرج کردن مبلغ زیادی پول نیروهایی از آوایش را به خیابان‌ها آوردند و شعار «چاوید شاه» را سر دادند. نظامیانی هم که با دریافت پول به شرکت در کودتا رضایت داده بودند، با جمعیت همراه شدند. سازمان سیا به تازگی اسنادی را منتشر کرده که نشان می‌دهد آنها دخالت مستقیم در کودتا داشته و قصد داشتند در صورتی که کودتا علیه دولت دکتر محمد مصدق شکست بخورد، در ایران یک جنگ چریکی دامنه‌دار راه بیندازند.



بولیوی ۱۹۷۱

بولیوی در مرکز آمریکای لاتین واقع شده است؛ قاره‌ای که آمریکا خود را قیم اصلی آن می‌داند. در سال ۱۹۷۱ در بولیوی، کودتای «هوگو بانسر» علیه «خوان خوسه تورس» رئیس‌جمهور قانونی بولیوی رقم خورد. بعدها یادداشت‌هایی از نشست کمیته ۴۰- که شاخه اجرایی انجام کودتا تحت‌رهبری هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی آمریکا و مسئول نظارت بر عملیات‌های مخفی بودند- منتشر شد. در این یادداشت‌ها آمده بود که نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا و کیسینجر در پشت پرده کودتا علیه دولت قانونی بولیوی بوده‌اند و به کودتاچیان کمک مالی کرده‌اند.



غنا ۱۹۶۹

«قوم نکرومه» که در آخرین دهه‌های استعمار بریتانیا بر غنا در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ نخست‌وزیر این کشور بود، با کسب استقلال از بریتانیا، نخستین رئیس‌جمهور غنا شد. این چهره ضد امپریالیستی در سال ۱۹۶۵ کتاب «استعمارنو: آخرین مرحله از امپریالیسم» را نوشت ولی چهارسال بعد و در سال ۱۹۶۹ طی یک کودتای مشترک انگلیسی-آمریکایی سرنگون شد. دولت آمریکا تا مدت‌ها دخالت خود در این کودتا را تکذیب می‌کرد اما سال‌ها بعد، یکی از روزنامه‌های انگلیس افشا کرد که ۴۰ نفر از افسران سیا اقدام به توزیع اسلحه در میان مخالفان نکرومه کردند. این افراد بعد از موفقیت کودتا نیز توسط دولت آمریکا مورد تقدیر قرار گرفته‌اند.



اندونزی ۱۹۶۵

تلاش «احمد سوکارنو»، رهبر جنبش استقلال اندونزی برای ایجاد جبهه ضد غربی باعث شد آمریکا کودتای سرنگونی سوکارنو از ریاست‌جمهوری را طراحی کند. اکتبر ۱۹۶۵، افسران گارد ریاست‌جمهوری از بیم کودتا، ۱۶ افسر وابسته به آمریکا را بعد از دستگیری کشتند، با وجود این کودتا توسط افسر دیگری به اجرا درآمد. او با اشغال پایگاه هوایی تحت کنترل طرفداران سوکارنو، آنها را شکست داد. پس از این اتفاق جایگاه سیاسی سوکارنو تضعیف شد و اندونزی دو سال دچار بی‌ثباتی سیاسی بود. در سال ۱۹۶۷ سوکارنو با فشارهای آمریکا و نظامیان وابسته به آن برکنار شد و سه سال بعد نیز فوت کرد.



برزیل ۱۹۶۴

ژائو گولارت، رئیس‌جمهور منتخب برزیل ۳۱ مارس ۱۹۶۴ با یک کودتای نظامی ه‌دایت‌شده توسط آمریکا سرنگون شد. آمریکا این کودتا را برای جلوگیری از قدرت‌گیری چپ‌ها در برزیل انجام داد تا ضمن کوتاه کردن دست شوروی از این کشور سیاست حیاط خلوت خود در آمریکای لاتین را نیز پیش ببرد. نتیجه کودتای آمریکایی علیه گولارت ایجاد «خونتا»ی نظامی در برزیل بود. خونتا واژه‌ای اسپانیایی به معنای شورای حکومتی است که در برخی موارد به شورایی حکومتی ایجادشده توسط نظامیان اطلاق می‌شود. برزیل به دنبال کودتای سال ۱۹۶۴، ۲۱ سال یعنی تا سال ۱۹۸۵ تحت حکومت خونتای نظامی قرار گرفت.



عراق ۱۹۶۳

نظامیان ملی‌گرای عراقی در سال ۱۹۵۸ موفق به سرنگونی حکومت پادشاهی این کشور و نخست‌وزیر غرب‌گرای آن یعنی نوری سعید شدند. به دنبال این انقلاب عبدالکریم قاسم، رئیس ستاد مشترک ارتش پادشاهی- که پادشاه را برکنار کرده بود- توانست قدرت را در دست بگیرد. قدرت‌گیری او موجب خشنودی شوروی به‌عنوان قطب چپ‌گرایان و همچنین مصر قطب ملی‌گرایان عرب شد. قاسم در سال ۱۹۵۹ از پیمان نظامی سنّتو- که آمریکا آن را ایجاد کرده بود- خارج شد. آمریکا برای مقابله با این وضعیت دست به کار شد و با ارتباط‌گیری با جناح‌های مخالف قاسم موفق شد علیه او دست به کودتا بزند. به دنبال این کودتا عبدالرحمن عارف قدرت را در دست گرفت.



ترکیه ۱۹۸۰

ترکیه سد جنوبی سازمان ناتو در مقابل نفوذ شوروی بود. این کشور در ساختار ناتو به‌نوعی وظیفه دفاع از اروپا را برعهده داشت. رشد تمایلات چپ‌گرایانه در جامعه ترکیه و به‌خصوص در میان جدایی‌طلبان کرد باعث شد آمریکا از روی نگرانی کودتایی دیگر را در ترکیه تدارک ببیند. در سال ۱۹۸۰ ارتش ترکیه در کودتایی موفق شد «سلیمان دمیرل»، نخست‌وزیر این کشور را برکنار کند. پس از این کودتا چپ‌گرایان، اسلام‌گرایان و کردها مورد حملات شدید ارتش قرار گرفتند. در ۲۱۰ هزار دادگاهی که پس از کودتا برگزار شد برای هفت هزار نفر از متهمان درخواست اعدام شد و ۱۶ هزار نفر نیز از حقوق شهروندی محروم شدند.



پاکستان ۱۹۷۷

پاکستان در دهه ۷۰ یکی از کشورهای حاضر در کمربند بهداشتی علیه کمونیسم بود. این کشور به همراه ایران و ترکیه در پیمان سنتو وظیفه داشتند در مقابل نفوذ شوروی مقاومت کنند و مانع از تسری کمونیسم به دیگر مناطق شوند. مقارن با حکومت متحدان شوروی در افغانستان، «ذوالفقار علی بوتو»، نخست‌وزیر پاکستان در مذاکرات مخفیانه تصمیم گرفت به شوروی اجازه دسترسی به بنادرش را بدهد. با این اتفاق روس‌ها می‌توانستند به آرزوی دیرینه خود دست پیدا کنند و به آب‌های گرم برسند و از انزوای زمینی خارج شوند. همین مساله موجب شد آمریکا به کمک ژنرال ضیاءالحق علیه بوتو کودتا کند. بوتو یک‌سال بعد به اتهام ثابت نشده قتل اعدام شد.



آرژانتین ۱۹۷۶

۲۴ مارس ۱۹۷۶ نظامیان آرژانتین بر ضد دولت انتخابی این کشور کودتا کردند. در جریان این کودتا «ایزابل مارتینز پرون»، رئیس‌جمهور محبوب آرژانتین از کار برکنار شد و نظامیان قدرت را در یوئوس‌آیرس در دست گرفتند. بر اساس اسنادی که در سال ۲۰۰۳ در آمریکا منتشر شدند، در اکتبر ۱۹۷۶ بلافاصله پس از انجام کودتا بین «هنری کیسینجر» و «گوزیتی» وزرای خارجه وقت آمریکا و آرژانتین گفت‌وگوهای صورت گرفته که در آن کیسینجر از دولت کودتا حمایت کرده و بر جنگ ناعادلانه‌ای که در آن ۳۰ هزار نفر که اکثر آنها جوان بوده‌اند، کشته شده و ۴۰۰ کودک نیز به سرقت رفتند، صحه گذاشته است.



اوروگوئه ۱۹۷۳

اروگوئه یکی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین است که طعم کودتاهای آمریکا را چشیده، البته با عاملیت رئیس‌جمهور مستقرش. در سال ۱۹۷۳ «خوان ماریا بوردابری»، رئیس‌جمهور اروگوئه با انجام کودتایی علیه قانون اساسی و نهادهای سیاسی کشورش باعث تعطیل شدن کنگره، سانسور مطبوعات و غیرفعال شدن اتحادیه‌ها و گروه‌های سیاسی شد. او سه سال بعد از کودتا با افزایش درگیری‌های سیاسی مواجه شد و سقوط کرد اما رژیم نظامی‌ای که در اروگوئه پایه‌گذاری کرده بود تا سال ۱۹۸۵ قدرت را در مونت‌ویدئو در دست داشت.



شیلی ۱۹۷۳

دولت آمریکا تیمی از اعضای سیا و وزارت خارجه را برای دخالت در انتخابات سال ۱۹۶۴ شیلی به این کشور فرستاد. این گروه با انجام اقدامات رسانه‌ای و جنگ روانی باعث شکست «سالوادور آلنده» سیاستمدار چپ‌گرای شیلیایی از «ادواردو فری» شدند. آلنده در سال ۱۹۷۰ با وجود تمام تلاش‌های آمریکا در انتخابات پیروز شد و به مقام ریاست‌جمهوری دست یافت. این پیروزی باعث شد آمریکا زمین بازی را از جنگ روانی به جنگ میدانی تغییر دهد. در این مرحله ژنرال پینوشه با کودتا علیه آلنده و حمله به ساختمان‌های دولتی با کشتن رئیس‌جمهور قدرت را در شیلی در دست گرفت. پس از این کودتا ۳۰ هزار نفر اعدام شده و بیش از ۱۰۰ هزار نفر بازداشت شدند.



هائیتی ۱۹۹۱

بخش زیادی از جمعیت هائیتی را بردگانی تشکیل می‌دهند که از سوی قدرت‌های اروپایی از آفریقا به این کشور آورده شده‌اند. این بردگان نخستین بار در زمان ناپلئون با قیام علیه استعمار فرانسه موفق به ایجاد ملت هائیتی شدند اما قدرت‌گیری ایالات متحده در آمریکا باعث شد این کشور مورد طمع این همسایه قدرتمند قرار بگیرد. مردم هائیتی پس از سال‌ها تلاش موفق شدند در سال ۱۹۹۱ طی یک انتخابات حکومتی دموکراتیک را تحت رهبری «جین برتراند ارستید» سر کار بیاورند. اما این حکومت مردمی تنها هشت ماه عمر داشت و پس از آن در یک کودتای مورد حمایت آمریکا ساقط شد. ارستید در سال ۲۰۰۰ توانست مجدداً به قدرت بازگردد اما آمریکا بار دیگر علیه او کودتا کرد.



السالوادور ۱۹۷۹

جنگ داخلی السالوادور در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. در این سال مردم السالوادور علیه حکومت مورد حمایت غرب قیام کردند که به‌شدت با بسرکرد دولت مواجه شدند. در این جنگ ۷۵ هزار نفر از مردم کشته و هزاران نفر دیگر ناپدید شدند. گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل نشان می‌دهد ۹۵ درصد از کشته‌شدگان توسط دولت و تنها ۵ درصد توسط شبه‌نظامیان کشته شدند. نیروهای نظامی حکومت که مسئول کشته شدن ده‌ها هزار نفر از مردم بودند توسط سازمان سیا آموزش دیده و تحت هدایت افسران آن اقدام به کشتار مردم کردند.



پاناما ۱۹۸۹

جورج بوش پدر در سال ۱۹۸۹ دستور تهاجم ارتش آمریکا به کشور پاناما در آمریکای مرکزی را صادر کرد. او قصد خود را از این حمله دفاع از آمریکایی‌های ساکن پاناما، مبارزه با مواد مخدر و همچنین دفاع از حقوق بشر و دموکراسی اعلام کرد. در پی این حمله «مانوئل نوریا»، رئیس‌جمهور پاناما دستگیر و به زندانی در آمریکا منتقل شد. همچنین چهار هزار نفر از غیرنظامیان پانامایی در طول نبردها کشته شدند. آمریکا پس از پیروزی در تهاجم به این کشور ضمن انحلال ارتش کنترل کامل کانال پاناما را در دست گرفت.



گرانادا ۱۹۸۳

گرانادا که در سال ۱۹۷۴ از بریتانیا مستقل شده بود، در سال ۱۹۷۹ به دست انقلابیون چپ‌گرا افتاد. این کشور که ۱۰۰ مایلی شمال ونزوئلا و در نزدیکی آمریکا واقع شده است، در آن زمان ۹۱ هزار نفر جمعیت داشت. با وجود کوچکی این کشور تبدیل شدن آن به پایگاه چپ‌گرایان و طرفداران شوروی باعث شد آمریکا در سال ۱۹۸۳ به بهانه دفاع از دانشجویان آمریکایی حاضر در این کشور به گرانادا حمله کند. علی‌رغم قدرت زیاد ارتش آمریکا و نزدیکی گرانادا به این کشور، آمریکا پس از چند هفته نبرد سخت توانست بر این کشور چنده هزار نفری فائق شود. در این نبرد در مقابل ۷۶۰۰ سرباز آمریکایی تنها ۱۵۰ سرباز گرانادایی وجود داشت.



چاد ۱۹۸۰

«حسین حبری»، وزیر دفاع چاد در سال ۱۹۸۰ به تحریک فرانسه و طبق طراحی آمریکا در این کشور دست به کودتا زد. مأموریت اصلی وی مقابله با معبر قضایی همسایه شمالی چاد بود. وی چندسال پس از کودتا به لیبی حمله کرد. این حمله به دلیل بافت قومی-مذهبی چاد به گسستی عمیق در جامعه این کشور انجامید که تاکنون نیز باقی است. بنابر برخی گزارش‌ها آمریکا برای به‌قدرت رساندن حبری بیش از ۱۰ میلیارد دلار هزینه کرده است. در دوره حکومت حبری ۴۰ هزار نفر از مردم چاد به دست وی به قتل رسیدند و بیش از ۲۰۰ هزار نفر نیز مورد شکنجه قرار گرفتند.

کودتاهای آمریکا در ۱۰ سال اخیر				
ردیف	سال	محل کودتا	توضیحات	
۱	۲۰۰۹	ایران	ادعای تقلب در انتخابات، اردو کشی خیابانی همراه با استفاده از نماد سبز به سبک انقلاب‌های رنگی، این کودتا با حضور مردم مردم ناکام ماند	
۲	۲۰۱۳	مصر	کودتای نظامیان وابسته به آمریکا و رژیم سعودی علیه دولت اسلام‌گرای محمد مرسی	
۳	۲۰۱۴	اوکراین	کودتا علیه رئیس‌جمهور قانونی اوکراین به‌وسیله اردو کشی خیابانی و تصرف ساختمان‌های دولتی	
۴	۲۰۱۶	ترکیه	کودتای نظامیان وابسته به آمریکا	
۵	۲۰۱۸	ونزوئلا	اردو کشی خیابانی مخالفان و اقدام برای کودتای نظامی علیه دولت مرکزی	



قرقیزستان ۲۰۰۵

«انقلاب‌های رنگی اینجا متوقف می‌شوند»، این جملات را عسگر آقایف دهم دسامبر ۲۰۰۴ در کنفرانسی در بیشکک بر زبان آورد. انتخابات با پیروزی چشمگیر طرفداران عسگر آقایف، رئیس‌جمهور این کشور همراه شد. فضا سازی رسانه‌های غربی، اعتراضات خیابانی را به دنبال داشت. بعدها نیویورک تایمز نوشت نمایندگان از انگلیس، هلند و نروژ هم در آموزش مخالفان نقش داشتند. در آن زمان سرانه کمک‌های خارجی دریافتی قرقیزستان در میان کشورهای تازه استقلال یافته از همه بالاتر بود و بیشتر این پول از سوی آمریکا و تحت «قانون حمایت از آزادی» مصوبه ۱۹۹۲ کنگره برای کمک به دوران گذار اقمار سابق شوروی پرداخت شد. متعززان در نهایت با حمله به ساختمان‌های دولتی و فرار آقایف از کشور دولت را سرنگون کردند.



اوکراین ۲۰۰۵

برای آمریکا، استفاده از الگوی انقلاب‌های رنگی، ابزار کارآمد و کم‌خطرتری نسبت به کودتا در برخی کشورها بود. پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۴ اوکراین و پیروزی «ویکتور یانکویچ» این کشور صحنه ناآرامی‌های مدنی شد. «یوشچنکو» رقیب غرب‌گرای وی از طرفدارانش خواست تا به خیابان‌ها بیایند. مخالفان، یانکویچ را به تقلب و همچنین تلاش برای مسموم کردن نروژ و یوشچنکو متهم می‌کردند. اردو کشی‌های خیابانی که از نوامبر ۲۰۰۴ در این کشور آغاز شده بود تا ژانویه ۲۰۰۵ ادامه داشت. پارلمان اوکراین پس از افزایش فشارهای داخلی و خارجی در نهایت نتیجه انتخابات را ملغی اعلام کرد.



گرجستان ۲۰۰۳

پس از برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۳ در گرجستان این کشور صحنه اعتراضات خیابانی شد. طرفداران غرب به رهبری «ساکاشویلی» دولت «شواردنازه» را به تقلب در آرا متهم کردند و خواستار برکناری وی شدند. در نهایت با اردو کشی خیابانی، یارگیری مخالفان از میان نظامیان و همچنین حرکت تظاهرات کنندگان به سمت محل سکونت شواردنازه وی با کناره‌گیری از سمتش موافقت کرد. بعدها یکی از نمایندگان پارلمان گرجستان گفت که بخشی از نیازهای مالی اعتراضات مردم که به «انقلاب گل سرخ» شهره شد، توسط نهادها و سازمان‌های غیردولتی مرتبط با سرمایه‌دار آمریکایی جورج سوروس تامین می‌شد.



ونزوئلا ۲۰۰۳

جورج بوش پسر در ۲۰۰۲ دستور انجام کودتا در ونزوئلا را صادر کرد. هدف از این کودتا ساقط کردن دولت چپ‌گرای «هوگو چاوز»، رئیس‌جمهور این کشور بود. علی‌رغم پیروزی نظامیان طرفدار غرب مردم ونزوئلا در حمایت از رئیس‌جمهور قانونی کشورشان دست به اعتصاب و اعتراضات سراسری زدند و ۱۹ کشور آمریکای لاتین نیز دخالت آمریکا در امور داخلی کاراکاس را محکوم کردند. با افزایش فشارهای مردمی و بین‌المللی تنها دوماه پس از کودتا، طرفداران آمریکا شکست خوردند و هوگو چاوز بار دیگر به قدرت بازگشت.